

فراسیون بانوان مجلس برای تصویب نهایی کنوانسیون جهانی رفع تبعیض از زنان، شجاعانه عمل کند.

بدون حضور و مشارکت فعال زنان، هر گز نه مردم‌سالاری معنا و مفهومی پیدا نمی‌کند و نه توسعه و یا عدالت اجتماعی بجهاتی میرسد، زیرا در جوامع مرد سالار این توان و قدرت فیزیکی است که حرف آخر را می‌زنند نه بحث و گفتگو و ظرافت اندیشه که، بسیار پیش از مردان، متعلق به عرصه‌های زنانه است. زنان در کشورهای دموکراتیک در ایجاد ساختارهای اجتماعی و مدنی نقش مهمی دارند، زیرا خود را اسیر مناسبات تبعیض آمیز و غالباً خشن مردانه نمیدهند، و میتوانند با امنیت خاطر به این‌گاه نقش انسانی خود بپردازند. بر عکس، در جوامع اقتصادی‌گرا که مناسبات اجتماعی حاکم، زنان را شکننده و آسیب‌پذیر ساخته، نه فقط نیمی از افراد جامعه، یعنی زنان، به حاشیه رانده می‌شوند، بلکه امنیت مردان نیز تهدید می‌شود، که عملاً شاهد آن بوده ایم که استبداد براحتی راه مردم‌سالاری را مسدود کرد است.

در تاریخ ایران، از دیر باز زنان به این‌گاه نقش می‌پرداخته اند. نقش زنان در انقلاب مشروطه و انقلاب سال ۵۷ بر کسی پوشیده نیست، لیکن با همه جانشانی هایی که بخر جاده اند، هنوز در بسیاری زمینه‌ها از حقوق برابر با مردان محروم‌اند. مثلاً، با وجودیکه طبق آخرین آمار، ۶۲٪ پذیرفته شدگان کنکور را دختران تشکیل می‌دهند، هنوز فرست برای انجام بسیاری از مشاغل مدیریتی مانند وزارت، قضاؤت، ریاست جمهوری، و اجتهد را ندارند. تا زمان حکومت ملی دکتر مصدق، زنان ایران حتی حق رای دادن و شرکت در انتخابات را نداشتند، اصلاح قانون انتخابات، بدليل مخالفت آیت الله بروجردی در قرق و آیت الله بهبهانی در تهران، با اعطای حق رای به زنان مورد بحث و جدلهاست بسیار قرار گرفت و با وجودیکه لا یاره آن از سوی دکتر مصدق تهیه شده بود، بجهاتی نرسید. ولی دکتر مصدق از پای نشست و در قانون انتخابات انجمنهای شهر با حذف واژه (حوال) دشمنی پایدار و هنوز فراموش نشده برعکس حوزه‌های علمیه را بجانب خرد و حتی کسانی مدعی شدند که او (مسلمان) نیست.

بنام اسلام، حقوق و امکاناتی را که خود اسلام به زن داده است از وی باز گرفته اند. حال آنکه خوشبختانه کنوانسیون جهانی رفع تبعیض از زنان که پس از تأیید هیات دولت به تصویب نمایندگان مجلس نیز رسیده، وقت آنست تا فراسیون بانوان مجلس با سیچ تمامی زنان کشوربرای دفاع از حقوق خویش از شدت مخاطراتی که به ویژه از ناحیه واپس گرایان مذهبی، مفاد مترقبی این قانون را تهدید می‌کند، ضمن اخذ معجزه برای برگزاری تظاهراتی در تهران و شهرستانها، همه جزبه‌ها و نهادهای مدافعان حقوق زن را بیاری طلبیده و از حقوق شناخته شده خویش دفاع نمایند.

شورای نگهبان به همان اندازه که برای تصویب قانونهای منتعه به اعمالی مانند کودک آزاری، مخالفت با حقوق بشر، سنجسار، نظارت استصوابی و یاشکنجه و قطع عضو بدن انسانها حریص و مشتاق است، از عدالت و برابری و آزادی به مفهوم متعارف و شناخته شده آن بینناک و گریزان است. اگر شما فعالیت خود را به سرعت گسترش ندهید، این قانون نیز به سرنوشت سایر قانونهای مترقبی دچار خواهد شد.

پرون شتاب

گفته‌های آیت الله کاشانی یک هفته پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲:

... مصدق برخلاف قانون اساسی قدم برداشت و دستور داد

مجسمه‌های شاه سابق را از جایگاههای عمومی بردارند...

... مصدق علیه شاه سورید و موقعیت و نفوذ شاه را درین مردم فراموش کرد...

... ملت شاه را دوست دارد و رژیم جمهوری مناسب ایران نیست.

بنام خداوند جان و خرد جبهه ملی ایران پشتیبانی خود را از اعتراض و تحصن انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران اعلام می‌دارد و همه سازمانهای ملی را به پشتیبانی از این اقدام فرامی خواهد

هم میهنان عزیز، ملت بزرگ ایران:

بانگاهی به تاریخ معاصر ایران و تلاش‌های اصلاح طلبان بزرگی چون امیر کبیر و کوشندگان خیزش مشروطیت، به روشنی در می‌یابیم که روزنامه و روزنامه نگاران و اهل قلم چه نقش توأم‌مند و تائیر گذاری در بیداری جامعه، رودررویی با حاکمان مستبد و ایجاد فضای باز در ایران داشته اند، تا جایی که به حق مطبوعات رکن چهارم مشروطیت شناخته شد. از زمان انتشار نخستین روزنامه در دوران قاجاریه تا امروز، شاهد آئیم که بجز دورانی کوتاه در پیروزی جنبش مشروطه، و نیز در سالهای آشفته پس از اشغال ایران در جنگ دوم جهانی، تنها در ۲۸ ماه دولت ملی دکتر مصدق و نیز در سالهای ۵۸ تا ۶۰ شاهد آزادی واقعی مطبوعات در ایران بوده ایم. و تنها مصدق بود که پس از برگزیده شدن به سمت نخست وزیری اعلام می‌کند که هیچ مقام و سازمانی حق ندارد برای روزنامه و نویسنده ای به خاطر نوشتن مطلبی در حمله به دولت، و حتی به خود او، ایجاد مراجحت کند. این همه در حالی بود که دو گروه از روزنامه‌ها در حمله‌های بی‌امان به دولت ملی مصدق از هیچ‌گونه وقاحتی فروگذار نمی‌کردند.

پس از انقلاب ۵۷ که مهمترین ملتفت ایران در انجام آن دستیابی به آزادی و حاکمیت ملی بود، فقط تا ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ جامعه شاهد آزادی نسبی روزنامه‌ها بود. ولی با رویداد ۲۵ خرداد و موضع گیری شدید حاکمیت در برابر جمهوری ملی، یکباره فضای بزرگی ای غیرمنتظره بسته شد و پرقدرت نشستگان نیت واقعی خود را در رودررویی با اندیشمندان و نویسنده‌گان آشکار ساختند. آنها از آن تاریخ سانسور را به عنوان مهمترین حربه بکار گرفتند، که بجز برخی دورانهای کوتاه افت‌فشار، تا امروز بشدت ادامه دارد.

در پی رویداد دوم خرداد ۷۹، و پایه میدان گذاردن شماری روزنامه‌ها با دیدگاه‌هایی که مغایر با هدفها و خواسته‌ایان انصار طبلان، جریانهای قشری مذهبی، گروههای فشار و برخی ارگانهای اطلاعاتی و امنیتی بود، بارقه امیدی در جامعه، بویژه در میان نسل جوان، در خشیدن گرفت. اما اقدار طبلان بروزی چار و حشت گشتد و از آغاز سال ۱۹۷۹، دست به موضع گیری‌های شدیدی گزند، که در طی یک هفته ۲۰ روزنامه را به توفیق کشاندند و با سماحتی خیره کشند به این روند ادامه دادند تا جایی که شمار توقیف و تعطیل نشریه‌های تا به امروز بیش از ۹۰ مورد رسیده است. زندانها را بروی روزنامه نگاران و نویسنده‌گان گشودند و شمار بسیاری را در شرایطی در دنات روانه سلولهای تگ ساختند و گروه فراوانی از کارکنان روزنامه‌ها را با بیکاری و فشار زندگی مواجه گردانیدند.

دشواری‌های توافقی را در سراسر جهان امروز یافته که برخورد حاکمیت آن با اندیشمندان و نویسنده‌گان همانند وضع در دنات ایران باشد. در هیچ جای جهان نمی‌توان قوه قضائیه ای بیاید که این چنین بی‌پروا و جسوسانه قلم‌های ارشادنده و روزنامه نگاران و نویسنده‌گان، وکیلان دادگستری و دانشجویان را که چشم و چراغ ملتند روانه سیاهچالهای زندانها سازد. رفتار سیاهکارانه با شادروان و خانم کاظمی و از پای درآوردن آن خبرنگاران، امروز هیچ‌حیثیتی برای دستگاه قضائی مادر افکار عمومی جهان باقی نگذارد است.

رفتارها و برخوردهای خشنوت بار حاکمیت و دستگاه قضائی با روزنامه نگاران بجایی رسیده که سرانجام سازمان صنفی روزنامه نگاران را واداشته است تا در روز هفدهم امرداد ماه در محل انجمن دست به تحصن بزندگان و قلمها را بر زمین نهند. باشد که این فریاد اعتراض حاکمان برقرار نشسته را بخود آورد و ترتیبی داده شود تا روزنامه نگاران، خبرنگاران، نویسنده‌گان و نویسنده‌گان، که مدهانت است به کنایه نقد حاکمیت و ابراز نظر و دفاع از حقوق مردم، در زندانها بسر می‌برند، آزاد شوند.

جههه ملی ایران با درود به همه روزنامه نگاران، نویسنده‌گان و اندیشمندان در زندانهای حاکمیت، با پشتیبانی از این اقدام از این اقدام را خواهد تابا همانگی با این انجمن صنفی در حمایت ملی و سازمانهای غیردولتی می‌خواهد این اقدام را با این انجمن صنفی در حمایت گسترد از آنها به میدان بیانند و اجازه ندهند حاکمیت بیش از این اهل اندیشه و قلم را زیر چنین فشارهای شدید قرار دهد و جو خفغان در کشور را شدیدتر گرداند.

جههه ملی ایران
۱۳۸۲ امرداد ۱۷